

# سازمان اسناد و کتابخانه ملی

## تعهدنامه رعایت حقوق معنوی دانشگاه

کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این پایان‌نامه متعلق به دانشگاه میبد است و هرگونه استفاده از نتایج علمی و عملی این پایان‌نامه برای تولید دانش فنی، ثبت اختراع، ثبت اثر بدیع هنری، همچنین چاپ و تکثیر، نسخه‌برداری، ترجمه و اقتباس و ارائه مقاله در سمینارها و مجلات علمی از این پایان‌نامه منوط به موافقت کتبی دانشگاه میبد است.

نام و نام خانوادگی دانشجو:

امضاء و تاریخ



دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه

برای دریافت درجه دکتری

فقه و حقوق جزا

عنوان

**نقش عقل در فقه و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲**

استاد راهنما

سید احمد میر خلیلی

استاد مشاور

نفیسه متولی زاده

پژوهش و نگارش

بهاره کرمی

آبان ماه ۱۳۹۸

این قطره تقدیم می شود

به انسان ۲۵۰ ساله ائمه هدی عظیم السلام

به محضر مقدس سرکنون الهی آن عزیز منظر، سلاله انبیاء و اولیاء، امام المتقین، خلیفه الرحمن و شریک

القرآن عَزَّوَجَلَّ  
فَرْحَهُ الشَّرِيفِ

به اسلام ناب محمدی، حکومت اسلامی و رهبران توحیدی اش

و

همچنین، تقدیم می کنم حرف حرف این رساله را

به انقلاب اسلامی، تمدن نوین اسلامی، امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، امام خامنه ای مد ظله العالی، شهید مطهری

رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ

به خانواده بزرگوارم که مرابادانش اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام آشنا نمودند و در تمامی مراحل زندگی ام تا کنون دعای خیر

ایشان بدرقه راهم بوده است.

به دوستان عزیزمی که در تشکیلات ولایی که محورش ولی است باهم علم می آموزیم و عمل می کنیم و تعلیم

می دهیم.

پاس

بر خود فرض می‌دانم از اساتید فرزانه، حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر سید احمد میرخلیلی و سرکار خانم دکتر متولی زاده که بایان محکات ارزشمند بر من منت نهادند به عظمتی که در قدر و اندازه ایشان است نه در قدر و اندازه فهم و بیان نویسنده، تشکر و قدردانی نمایم.

پنجمین بر خود لازم می‌دانم از اساتید صاحب‌کنج و دانشوران نکته‌سنج که در طول سال‌های تحصیل همواره هدایت‌کننده در صراط مستقیم و راهگشای خروج از بن‌بست‌های جهل و تاریکی بوده‌اند، علاوه از خانواده عزیزم که حق بزرگی بر بنده دارند و همه عالمان، فریبنندگان و دوستانی که با صمیمیت و عقلانیت و تلاش مجدانه و محمندان، نقش آفرینی داشته‌اند نهایت تشکر را نمایم.

از خداوند متعال برای همه خدمت‌گزاران معارف و فرهنگ نظام مقدس اسلامی آرزوی توفیق و سربلندی دارم. امید است این تلاش مورد رضایت درگاه حضرت حق تعالی قرار گیرد و گامی برای پرورش‌های گسترده‌تر و عمیق‌تر باشد.

ان شاء الله تعالی

## چکیده

تقنین فرایندی پیچیده است که با روش اجتهاد به مثابه مدلی از اندیشه ورزی و عقلانیت سامان می‌یابد و «رویکرد تخصصی و اختصاصی به نقش‌آفرینی عقل» از مقومات آن است. اجتهاد اعم از تبیینی، تطبیقی و تنظیمی اگرچه همه اجتهاد است و روش‌شناسی مشترکی دارند ولی اجتهاد تطبیقی به دلیل اینکه در فرایند تقنین و تبدیل فتوا به قانون قرار می‌گیرد فرایندی بسیار پیچیده‌تر از اجتهاد تبیینی است. اجتهاد تبیینی، فرایند تولید فقه حکومتی نیست؛ ولی از آنجا که ناظر به واقعیت‌های حیات اجتماعی مکلفین است باید ناظر به سطحی از رویکرد تخصصی و اختصاصی به‌روزرسانی و بازسازی گردد؛ ولی روش‌شناسی اجتهاد تطبیقی که فرایند تولید فقه اجتماعی و فقه حکومتی است اقتضا دارد که ساختار عملکرد کارگزاران تقنین تحولی بنیادین یابد و مزین به بایسته‌ی وحدت و انسجام گردد. این ساختار مشتمل بر فرایندهای سه‌گانه‌ی جامعه‌پذیری کارگزاران تقنین، شکل‌گیری ساختارهای فیزیکی تقنین و عملیاتی شدن تقنین است. نقطه‌ی شروع تحول در ساختار عملکرد و ایجاد وحدت نیز از طریق جامعه‌پذیری دینی که سازوکار ایجاد وحدت شخصیت در بستر ارتباط همه‌جانبه‌ی مستمر با ولیّ جامعه است نمایان می‌شود. مطالعه موردی تنافی (فقدان بایسته‌ی وحدت و انسجام) در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با روش توصیفی- تحلیلی پاسخگوی این پرسش است که نقش‌آفرینی عقل در تقنین، در چه صورت به تمایزی بنیادین در اعتبارسنجی مواد قانونی و کارآمدی تقنین می‌انجامد؟ وضعیت موجود تقنین علی‌رغم تحولات نوین، مبتلا به تولید و بازتولید تنافی‌های متعدد و مکرر است و تالی فاسد آن، تشکیک در کارآمدی عقل و اعتبار اجتهاد در مدیریت واقعیت‌های اجتماعی است. اگر اعتبارسنجی با رویکرد تخصصی و اختصاصی بر اساس بایسته عدم تنافی انجام شود تنافی‌های آشکار و تکراری تولید و بازتولید نمی‌شود و اعتبار نقش‌آفرینی عقل و کارآمدی اجتهاد در تقنین احیا و ارتقا می‌یابد.

**کلمات کلیدی:** تنافی، نقش عقل، روش‌شناسی تقنین، رویکرد تخصصی و اختصاصی، جامعه‌پذیری

دینی.

## فهرست مطالب

مقدمه ..... ۱

## طرح تحقیق

۱. بیان مسأله ..... ۵

۲. ضرورت تحقیق ..... ۸

۳. هدف از اجرا ..... ۹

۴. کاربرد نتایج تحقیق ..... ۹

۵. سابقه تحقیق ..... ۹

۶. سؤال‌های پژوهشی ..... ۱۸

۷. فرضیه‌های پژوهش ..... ۱۹

۸. روش تحقیق ..... ۲۰

۹. ساختار تحقیق ..... ۲۰

## فصل اول: کلیات

۱-۱. نقش ..... ۲۲

۲-۱. عقل ..... ۲۲

۳-۱. ملاکات حقیقت ..... ۲۳

۴-۱. «نقش» عقل یا نقش «عقل» ..... ۲۷

۱-۴-۱. نقش‌آفرینی عقل ..... ۲۹

۲-۴-۱. ساحت‌های نقش‌آفرینی عقل در تقنین ..... ۳۰

۳-۴-۱. مراحل نقش‌آفرینی عقل در مقنن ..... ۳۱

۵-۱. بایسته‌های نقش‌آفرینی عقل در تقنین ..... ۳۲

- ۱-۵-۱. بایسته تخصص و اختصاص ..... ۳۵
- ۱-۵-۲. بایسته انسجام و عدم تنافی ..... ۳۸
- ۱-۶-۱. آسیب‌شناسی تحلیلی نقش آفرینی عقل در تقنین ..... ۴۰
- ۱-۶-۱. متولی مدیریت تقنین ..... ۴۵
- ۱-۶-۱-۱. گونه شناسی نظری ..... ۴۵
- ۱-۶-۱-۲. سازوکار عملی برای مدیریت تقنین ..... ۴۹
- ۱-۶-۲. جامعه‌پذیری دینی ..... ۵۱
- ۱-۶-۲-۱. تعریف و مبانی جامعه‌پذیری دینی ..... ۵۲
- ۱-۶-۲-۲. بایسته‌های جامعه‌پذیری دینی ..... ۶۲

### فصل دوم: مطالعه‌ی موردی بایسته‌انجام در کتاب کلیات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

- ۱-۲. جامعیت ..... ۷۲
- ۲-۲. اصالت و ضرورت ..... ۸۳
- ۳-۲. استقلال و نظم ساختاری ..... ۸۷
- ۴-۲. تناسب ..... ۹۰
- ۵-۲. عدم مغایرت ..... ۱۰۲

### فصل سوم: مطالعه‌ی موردی بایسته‌انجام در کتاب حدود قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

- ۱-۳. جامعیت ..... ۱۲۰
- ۲-۳. اصالت و ضرورت ..... ۱۲۱
- ۳-۳. استقلال و نظم ساختاری ..... ۱۲۲
- ۴-۳. تناسب ..... ۱۲۶



۵-۳. عدم مغایرت..... ۱۳۳

### فصل چهارم: مطالعه‌ی موردی بایسته‌انجام درکتاب قصاص قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

۱-۴. جامعیت ..... ۱۴۶

۲-۴. اصالت و ضرورت ..... ۱۵۰

۳-۴. استقلال و نظم ساختاری ..... ۱۶۱

۴-۴. تناسب ..... ۱۶۵

۵-۴. عدم مغایرت..... ۱۷۰

### فصل پنجم: مطالعه‌ی موردی بایسته‌انجام درکتاب دیات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

۱-۵. جامعیت ..... ۱۸۲

۲-۵. اصالت و ضرورت ..... ۱۸۸

۳-۵. استقلال و نظم ساختاری ..... ۱۹۵

۴-۵. تناسب ..... ۲۰۲

۵-۵. عدم مغایرت..... ۲۰۸

نتیجه‌گیری ..... ۲۲۶

پیشنهادها ..... ۲۳۰

فهرست منابع ..... ۲۳۳



## مقدمه

فرایند تقنین به دلیل لزوم التزام به واقعیت‌های ثابت و متغیر اجتماعی و هم‌چنین اصول و استانداردهای اجتهادی، پیچیدگی مضاعفی دارد و زمانی دوچندان می‌شود که غرض اصلی از تقنین، ارائه‌ی قانون جهت بهره‌برداری از آن باشد. اگر فرایند تقنین اعم از قانون‌گذاری و قانون‌نگاری منطبق بر بایسته‌ها نباشد نقض غرض است. کشف و تطبیق بایسته‌ها در گروی نقش‌آفرینی عقل به شکل دقیق است که از آن به رویکرد تخصصی و اختصاصی یاد می‌شود.

اصلی‌ترین چالش برای تقنین، تنافی قانون در مقام گزارش حکم الهی و نگارش آن است که بیانگر فقدان بایسته‌ی حاکم بر بایسته‌ها یعنی انسجام و عدم تنافی در قانون است. مروری بر بازنگری‌های قانون مجازات بیانگر تلاش‌های جامعه‌ی حقوقی برای تحقق این بایسته بوده که تحولات و دستاوردهای زیادی نیز به دنبال داشته است؛ ولی فقدان رویکرد تخصصی و اختصاصی باعث تولید و بازتولید تنافی‌های گسترده شده است. فرایند تقنینی که تنافی زاست و در پیشگیری ناکارآمد است به‌طریق‌اولی، فاقد مدیریت درمان‌گرایانه است.

این امر به تنزل اعتبار و کارآمدی اجتهاد و نقش‌آفرینی عقل انجامیده است و این ذهنیت را ایجاد کرده که تنافی، امری طبیعی است و لازمه‌ی نقش‌آفرینی عقل به‌عنوان کنشی بشری در مواجهه با واقعیت‌هاست. این ذهنیت، زمانی موجه‌تر می‌شود که ماهیت آن واقعیت مثل تقنین، از پیچیدگی‌های مضاعف برخوردار باشد؛ بنابراین، آینده روشنی برای مدیریت واقعی تنافی وجود ندارد و این ذهنیت - وجود ملازمه بین نقش‌آفرینی عقل و تولید تنافی‌ها ضمن رشد نسبی تحولات قانون - ماندگار می‌ماند و خط بطلانی بر بایسته‌های تقنین می‌کشد.

تاکنون سازوکاری که ضامن تبیین این رویکرد و التزام به لوازم آن باشد در نظام حقوقی تعبیه نشده است؛ اما گفتمان سازی نهادهای فقهی و حقوقی برای تأسیس و تعمیق دانش‌های پشتیبان همچون فقه الاجتماع، روش‌شناسی تقنین، فقه تقنین و اخلاق حرفه‌ای مقننین و هم‌چنین مدیریت منابع انسانی و

طراحی ساختارهای نوین تقنینی بر اساس این دانش‌ها از تدابیر روشمند در علاج تنافی است. یکی از محورهای مهم در این گفتمان سازی و تدابیر علاج بخش این است که باید وحدت و انسجام که از بایسته‌های تقنین است در گام اول در شخصیت، اخلاق و تفکرات و رفتارهای کارگزاران تقنین به فعلیت برسد و به دست این جمع منسجم و واحد، نهاد تقنین به‌گونه‌ای بازسازی گردد که بتواند بازتاب‌دهنده‌ی وحدت و انسجام کارگزاران در فرایند تقنین باشد. در غیر این صورت این راهکارها و پیشنهادهای جدید روش‌شناختی و مهم به غنای ادبیات جامعه‌ی حقوقی می‌افزاید ولی علاج بخش تنافی‌های قانون نخواهد بود؛ بنابراین، آنچه ضمانت‌کننده‌ی علاج تنافی است مدل جامعه‌پذیری دینی است.

مدل جامعه‌پذیری دینی یا همان تربیت اجتماعی از طریق ارتباط منظم و پیوند مستحکم با رهبر دینی، راهکاری است که وحدت‌بخش انسان‌های دینی است، آن‌هایی که در مسیر رشد علمی و اجتماعی خویش به عرصه‌های حقوقی و تقنینی ورود می‌یابند و در زمره‌ی کارگزاران تقنین قرار می‌گیرند. طبیعی است که گام‌به‌گام رشد و «شدن» افراد باید در هماهنگی کامل با بایسته‌های عمومی و اختصاصی تقنین باشد تا افرادی که زیر نظر نهادها و کارگزاران جامعه‌پذیری از جمله نهاد آموزش و پرورش و آموزش عالی تربیت و شکوفا می‌شوند قابلیت و آمادگی کافی برای رسالت فوق را داشته باشند. در غیر این صورت، نه جامعه‌ی حقوقی و مقنن قابلیت درک و اجرای بایسته‌ها را دارد و نه ساختار فیزیکی و برنامه‌ی عملی نهادهای قانونی ظرفیت حرکت بر اساس بایسته‌ها را دارد. ارجاع تنافی‌های قانون به مقنن و ساختارهای اجرایی تقنین بیانگر این حقیقت است که اگر عامل و ساختار معیوب باشد قانون نیز به‌مثابه‌ی معلول، معیوب و دارای تنافی خواهد بود.

ضروری است که نقش رویکرد تخصصی و اختصاصی در احیای اعتبار و کارآمدی اجتهاد موردبررسی قرار گیرد. در صورتی که جواب مثبت باشد لازم است که این رویکرد نیز در جایگاه بایسته‌های حاکم قرار گیرد و حائز مرتبه‌ی نخست شود؛ زیرا که با رعایت این بایسته است که بایسته‌ی انسجام و عدم تنافی تحقق می‌یابد. در نتیجه بر جامعه‌ی حقوقی و کارگزاران تقنین لازم می‌گردد که با رویکرد تخصصی و

اختصاصی به مقوله‌ی انسجام و عدم تنافی بپردازند و سازوکار پیشگیری از حضور تنافی در قانون را کشف و تولید نمایند.

این نگارش به‌مثابه‌ی مطالعه‌ی موردی تنافی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بر اینکه جامعه‌پذیری دینی راه‌کار منحصربه‌فرد برای تحقق صحیح نقش عقل در تقنین است تأکید می‌کند و نمونه‌ای کوچک از التزام عضوی از جامعه‌ی حقوقی به این رویکرد است که اگر به التزام نهادی و عمومی تبدیل شود قانونی منسجم و به‌دوراز تنافی وضع می‌گردد. این وضعیت، به احیای اعتبار و کارآمدی اجتهاد و نهاد تقنین و ارتقای روزافزون آن می‌انجامد. این نوشتار، گام‌های اولیه‌ی این تحول قلمداد می‌شود.



# طرح تخصصی

## ۱. بیان مسأله

حیات اجتماعی مستلزم قوانین و مقرراتی است که روابط افراد را با یکدیگر معین ساخته و حقوق و تکالیف آنان را در جامعه مشخص کند و از این طریق، مانع هرگونه نزاع و اختلاف شود. قانون در زمان‌های گذشته، آمیخته با عادات اجتماعی، مذهبی و اخلاقی بود؛ اما پیشرفت تمدن، تحول و تکامل جوامع بشری و ظهور و بروز مسائل مستحدثه، باعث شده است که انسان با اندیشه ورزی خود، قوانین اجتماعی دقیق‌تر و مشخص‌تری وضع نماید، از این‌رو، قوانین بشری برخلاف گذشته، شکل پیچیده‌تری به خود گرفته است. با وجود این، مهم این است که قوانین با توجه به نیازها و مصالح واقعی افراد بشر وضع شود و از هرگونه تعدی و تجاوز جلوگیری نماید. در این راستا توجه به نقش عقل و بررسی آن می‌تواند پاسخگوی بسیاری از خلأهای تقنین باشد. توجه به نقش عقل به این معناست که عقل به‌مثابه‌ی سیستم اندیشه ورزی و تحلیل‌گر باید به‌گونه‌ای فعلیت یابد و به‌روزرسانی شود که بتواند متناسب با واقعیت‌های اجتماعی و مقتضیات آن نقش‌آفرینی نماید. به‌عبارت‌دیگر، اگر عقل باید در نهاد اجتماعی تقنین به کنش اجتماعی تقنین بپردازد باید دارای هویت جمعی باشد و به‌عنوان عقل جمعی به نقش‌آفرینی و اندیشه ورزی بپردازد. در غیر این صورت همیشه نقش‌آفرینی عقل، فردگرایانه یا جمعی و گروهی ولی ناقص و منفعلانه و مغایر با اقتضات زمان و مکان است. درحالی‌که اجتهاد که نوع ویژه‌ای از ایفای نقش عقل است جهت‌مدیریت و ساماندهی واقعیت‌های متغیر اجتماعی در هر زمان و مکان تعبیه گشته است و باید به‌عنوان یک فعالیت گروهی و تشکیلاتی موردتوجه قرار گیرد و لذا عقل در اجتهاد فردی با عقل در اجتهاد در مقام تقنین، بدون شک، نقش‌آفرینی‌های کاملاً متفاوتی دارد و بایسته‌های هر کدام از جهت کمی و کیفی متفاوت است. این نگارش، به عقل از آن جهت که منبع معرفتی است یا از آن جهت که کارکرد ابزاری دارد و به کمک آن، استدلال و اندیشه ورزی رقم می‌خورد توجه و تمرکز نکرده است؛ زیرا سنخ مباحث نظری در حوزه‌ی معرفت‌شناسی است و ارتباطی با مسأله‌ی ما ندارد. پیش‌فرض این نگارش این است که عقل هم منبع است و هم کارکرد ابزاری دارد. ادوار مختلف قانون مجازات اسلامی مبتلا به آسیب‌های متعددی بوده



است و هیچ ارتباطی به منبع یا ابزار بودن نداشته است؛ زیرا کارگزاران نهاد تقنین پیش‌فرضشان حجیت منبع و ابزار بودن عقل است. مشکل اساسی در کم و کیف تعامل کارگزاران با هم در بهره‌برداری از ظرفیت‌های این منبع و ابزار است؛ بنابراین، نقش عقل در اینجا حیث ابزاری بودن عقل نیست بلکه حیث چگونه فعال شدن و به فعلیت رسیدن این حیث ابزاری عقل است. اینجاست که مسأله‌ی بایسته‌های مقنن یا کارگزار نمایان می‌شود و مدل جامعه‌پذیری دینی برای تربیت اجتماعی و اجتماعی شدن مقنن مورد توجه قرار می‌گیرد.

لازم به ذکر است که فقه و قانون مجازات ۹۲ دو عنوان مستقل نیستند تا حرف «واو» بیانگر عطف باشد بلکه واو تفسیری است؛ زیرا اولاً فقه، دانش پشتیبان قانون است تا اجتهاد تطبیقی با اجتهاد تبیینی هماهنگی داشته باشند و فرایند تبدیل فتوا به قانون به شکل صحیح طی شود. ثانیاً آغاز و انجام وضع قانون مجازات اسلامی یعنی قوه قضائیه و شورای نگهبان بر عهده‌ی فقه و فقیه و رهبر نظام اسلامی است؛ بنابراین، فقه و قانون در کنار هم بیان شده است تا بیانگر ارتباط وثیق این دو باشد؛ لذا اگر ذکر نمی‌شد خللی وارد نمی‌آمد؛ زیرا قانون اسلامی بدون فقه، سالبه به انتفاء موضوع است.

قید «مصوب ۱۳۹۲» در عنوان رساله نیز «قیدی توضیحی» است نه «احترازی»؛ زیرا بیان نقش عقل در تحولات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مستلزم نقد عقلانی قانون سابق و تبیین عقلانی قانون جدید است به این بیان که عقل باید کاستی‌ها از جمله تکرار زائد مخل، رفع نقصان در موضوع شناسی و حکم، ایجاد حکم جدید برای موضوع خاص و غیره را ببیند؛ لذا در مواردی برای تبیین موضوع و فهم دقیق به قانون مجازات ۱۳۷۰ اشاره شده است.

هم‌چنین، با توجه به دلالت عنوان رساله یعنی نقش عقل در قانون مجازات ۱۳۹۲ کتاب تعزیرات داخل در مطالعه‌ی موردی نیست؛ زیرا کتاب تعزیرات در فرایند تقنین به گردونه‌ی نقش‌آفرینی عقل ورود نیافته است.

هدف از مطالعه‌ی موردیِ تنافی این است که نقش‌آفرینی عقل با رویکرد تخصصی و اختصاصی در بستر این مطالعه ملموس شود و گامی اولیه برای تحقق این تحول بنیادین رقم خورد. روش مطالعه‌ی موردی این است که بر مبنای نظریه انسجام موردی به نام تنافی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در دستور کار مطالعه‌ی تخصصی قرار گیرد و تمام تنافی‌هایی که در قانون یافت می‌شود تجمیع گردد. سپس بر اساس فرایند تولید تنافی که نقطه‌های آغازین دارد گونه‌شناسی گردد.

## ۲. ضرورت تحقیق

طبیعی است که فرایند جامعه‌پذیری یا همان تربیت و یادگیری اجتماعی باید در هماهنگی کامل با بایسته‌های تقنین باشد تا افرادی که زیر نظر نهادها و کارگزاران جامعه‌پذیری از جمله نهاد آموزش و پرورش و آموزش عالی تربیت و شکوفا می‌شوند قابلیت و آمادگی کافی برای رسالت فوق را داشته باشند. در غیر این صورت، نه جامعه‌ی حقوقی و مقنن قابلیت درک و اجرای بایسته‌ها را دارد و نه ساختار فیزیکی و برنامه‌ی عملی نهادهای قانونی ظرفیت حرکت بر اساس بایسته‌ها را دارد. ارجاع تنافی‌های قانون به مقنن و ساختارهای اجرایی تقنین بیانگر این حقیقت است که اگر عامل و ساختار معیوب باشد قانون نیز به‌مثابه‌ی معلول، معیوب و دارای تنافی خواهد بود.

بنابراین، ضروری است که نقش جامعه‌پذیری دینی در ایفای نقش عقل با رویکرد تخصصی و اختصاصی و رویکرد وحدت و انسجام موردبررسی قرار گیرد. جهت‌گیری بررسی به این سمت و سو است که اگر این نوع از ایفای نقش عقل به وضع قانون با وصف وحدت و انسجام می‌انجامد و بر احیای اعتبار و کارآمدی اجتهاد و تقنین تأثیر می‌گذارد لازم می‌گردد که مراکز تحقیقاتی در نهاد قانون‌گذاری به آن بذل توجه نموده و به آن رسمیت بخشند و برای آن ماهیت حقوقی قرار داده تا به‌عنوان یک سند بالادستی و یک الزام قانونی در فرایند تقنین قرار گیرد.

### ۳. هدف از اجرا

۱. تحلیل دقیق موضوع و ارائه تصویری روشن و موجه از این مسأله؛
۲. ارائه‌ی مدلی برای حل تنافی و عدم وحدت و انسجام در کارگزاران تقنین و هم‌چنین در قانون اعم از عدم جامعیت و خلأهای قانونی، تکرارها، عدم تناسبها و هم‌چنین مغایرت‌ها؛
۳. ارائه‌ی مطالعه‌ای موردی برای عینیت‌بخشی و ملموس نمودن ویژگی‌های مدل مطلوب.

### ۴. کاربرد نتایج تحقیق

۱. استفاده قانون‌گذار در تدوین مواد و تبصره‌های جدید و اصلاح قوانین جزایی؛
۲. غنی‌سازی ادبیات روش‌شناسی در فرایند اجتهاد و تقنین و ارائه‌ی مدخل‌های نوین روش‌شناختی از جمله جامعه‌پذیری تقنین.

### ۵. سابقه تحقیق

در این تحقیق سه مقوله مطرح است که پیشینه‌ی آن‌ها در ذیل بیان می‌گردد:

#### الف: جامعه‌پذیری دینی

در این زمینه منابعی یافت می‌شود که برای تبیین جامعه‌پذیری دینی از آن‌ها استفاده می‌شود و بعضی نیز با همین نام تولید شده‌اند ولی غالباً ابعاد خاصی از موضوع را بررسی کرده‌اند که در ذیل بررسی می‌شود:

۱. منادی، مرتضی (۱۳۸۶). درآمدی جامعه‌شناختی بر جامعه‌پذیری. تهران: جیحون.

نویسنده در کتاب حاضر با نگاهی جامعه‌شناختی به بررسی جامعه‌پذیری پرداخته و مباحثی

چون اهداف جامعه‌پذیری، مراحل جامعه‌پذیری، جامعه‌پذیری موفق و جامعه‌پذیری و طبقات

اجتماعی را مطرح کرده است.

۲. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۷). روابط اجتماعی در اسلام. ترجمه هادی خسروشاهی و

محمدجواد حجتی کرمانی، قم: بوستان کتاب.

این کتاب با استناد به دیدگاه‌های دینی، به تبیین موضوعات اجتماعی و راهکارهای حفاظت از بنیان‌های جامعه اسلامی پرداخته است. فصل اول این کتاب با عنوان «روابط اجتماعی در اسلام» به موضوعاتی چون انسان و جامعه‌گرایی، انسان و رشد‌گرایی او و توجه خاص اسلام به جامعه اختصاص دارد.

۳. شریف حیدری، محمد (۱۳۹۲). جامعه‌پذیری دینی در ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر

و ارتباطات، سازمان تبلیغات اسلامی، پژوهشکده باقرالعلوم علیه‌السلام.

این کتاب برای اولین بار در ایران به صورت تخصصی به جامعه‌پذیری دینی پرداخته است. نویسنده در این کتاب به فرایند جامعه‌پذیری دینی و نقش آن در نقش‌آفرینی عقل که شخصیت و هویت اصلی انسان به آن گره‌خورده است نپرداخته است؛ لذا از نقش جامعه‌پذیری دینی در جامعه‌پذیری علمی و سیاسی که در این رساله مدنظر است اثری یافت نمی‌شود. به عبارت دیگر به جامعه‌پذیری دینی از منظر اجتماعی به صورت کلی نگاه شده است و به جایگاه نهاد دین با مدیریت رهبر نظام اسلامی و رسالت و وظیفه‌ی او در مدیریت قانون‌گذاری کشور بر اساس اجتهاد دینی، نگاهی نداشته است.

ریشه‌ی اصلی در وجود نقصان بالا این است که ایشان در فصل پنجم کتاب که به نهادها و کارگزاران جامعه‌پذیری پرداخته است، اگرچه به نهاد حوزه و روحانیت توجه کرده ولی علاوه بر این که نهاد دین در عرض سایر نهادها بررسی شده است به جایگاه ولایت‌فقیه و ولی‌فقیه در نهاد حوزه که سرمایه‌ی انسانی او در اجتهاد تبیینی، تطبیقی و تنظیمی است هیچ اشاره‌ای نکرده است، کما این که در بحث «تنزل موقعیت اجتماعی روحانیت در فرایند جامعه‌پذیری» به عنوان آسیب‌شناسی حضور سیاسی علمای دین در جامعه به رابطه‌ی میان «تنزل موقعیت اجتماعی روحانیت» و «عدم ارتباط و هماهنگی حوزه با رهبر نظام و امت اسلامی از طریق جامعه‌پذیری دینی» نیز اشاره‌ای نکرده است. در حالی که در اندیشه‌ی رهبران فکری